

یک استراتژی برای مهار حزب الله

ایده‌ها و توصیه‌ها

حنین غدار



دلیل این که لبنان در حالی فروپاشی است، این نیست که دولت ندارد یا انجام اصلاحات بسیار دشوار است، بلکه لبنان به این دلیل در حال فروپاشی است که نخبگان سیاسی و مالی این کشور از اخذ تصمیم برای اجرای اصلاحات سر باز می‌زنند. به جای اصلاحات، آنها می‌خواهند دولت بعدی دقیقاً عین اسلاف خود باشد تا بتواند حفظ وضع موجود را تضمین کند و فساد را در قلب سیاست کشور نگه دارد. مدت کوتاهی پس از انفجار مهیب در بندر بیروت در آگوست ۲۰۲۰، یک دولت موقت لبنان را اداره می‌کرد و بازیگران ریشه‌دار کشور نتوانستند به سازش‌های لازم برای اعمال اصلاحات سیاسی-اقتصادی، که راه را برای خروج از بحران ملی تسهیل کند، دست پیدا کنند. شرایط اقتصادی رو به وخامت منجر به افزایش نگران‌کننده گرسنگی کودکان، کاهش درآمدها همراه با رشد سرسام‌آور قیمت کالاهای اساسی، و افزایش ناامیدی در تمام طیف‌های مردم لبنان شده است.^۱

از جنبه عملیاتی، نقشه راه برای حل بحران لبنان روشن است. این نقشه راه که در کنفرانس‌های بین‌المللی متعددی به تفصیل مطرح شده، شرایط اعطای بسته‌های کمک مالی را در قالب استراتژی‌های بازیگران بین‌المللی و محلی مشخص کرده است. نقشه راه مورد بحث شامل تجدید

عکس: حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله، به مناسبت عاشورا از طریق ویدیو برای جمعیت سخنرانی می‌کند. ۱۹ آگوست ۲۰۲۱ - رویترز

وقتی در سال ۲۰۱۸ حزب‌الله در انتخابات پارلمانی پیروز شد و سپس با متحدانش دولت تشکیل داد و انتخاب میشل عون متحدش را به عنوان رئیس‌جمهور مهندسی کرد، این گروه به چسب‌نگهدارنده طبقه سیاسی کشور تبدیل شد.^۲ به رغم مجموعه‌ای از ناآرامی‌ها - اعتراضات سال ۲۰۱۹، استعفای دولت حریری در اکتبر آن سال، انفجار مهیب بندر بیروت در سال ۲۰۲۰ که منجر به استعفای دولت نخست‌وزیر حسن دیاب شد، ابتکار اصلاحات فرانسه در لبنان در سپتامبر ۲۰۲۰،^۳ و وضع تحریم‌های آمریکا علیه متحدان حزب‌الله در نوامبر ۲۰۲۰ -^۴ این سازمان تلاش مجدانه کرد تا هیچ چیز در نظامی که از قدرتش محافظت می‌کند، تغییر نکند.

حتی اگر بازیگران خارجی موفق به تحمیل اراده خود به لبنان و اعمال برخی اصلاحات و اجرای انتخابات شوند، بعید است بنیادهای این کشور تغییر کند، چون حزب‌الله برای آن هم نقشه‌ای دارد. حزب‌الله به عنوان قدرتمندترین سازمان در کشور، و بسیار مجهزتر از ارتش لبنان، آماده است به اتکای نیروی نظامی از آنچه از طریق نظام فاسد سیاسی به دست آورده دفاع کند. این دقیقاً کاری است که وقتی در انتخابات سال ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹ شکست خورد انجام داد: استفاده از بازوهای نظامی خود علیه هموطنان لبنانی و تحمیل به اصطلاح ائتلاف ۱۴ مارس - که سال ۲۰۰۵ پس از انقلاب سدر شکل گرفت - برای شکل‌دهی به شمار بی‌سابقه‌ای از دولت‌های وحدت ملی. این گروه با نمایش سلاح‌های خود، واقعیت سیاسی «برد یا باخت» جدیدی را تعریف کرد: حزب‌الله وقتی می‌برد، حکومت می‌کند؛ وقتی می‌بازد هم باز حکومت می‌کند.

با وجود تفنگ‌های حزب‌الله که برای نشانه‌گرفتن مردم لبنان تمرین دیده‌اند، تلاش‌های ترویج دموکراسی، انتخابات، یا اصلاحات همیشه شکست خواهد خورد. در عین حال، مردم لبنان مایوس‌تر شده‌اند، چون بازیگران بین‌المللی فقط وقتی برای نجات لبنان از سقوط اقدام می‌کنند که رهبران تسلیم شوند. رهایی از این دایره باطل با یک التماس دیگر به «طبقه سیاسی»، یا با تلاش دوباره برای تشکیل یک «دولت تکنوکرات»، یا با درخواست مجدد از رهبران جهان حاصل نخواهد شد. در واقع، این هم اشتباه است که بازیگران بین‌المللی بر پرسش‌های فنی مربوط به اجرای اصلاحات و رفع بحران اقتصادی تمرکز کنند. تمام تلاش‌های بین‌المللی در دو سال گذشته در فشار به رهبری سیاسی برای انجام اصلاحات و تشکیل دولت شکست خورده است.^۵ توجه به مسائل فنی، به نوبه خود، به نفع حزب‌الله است چون توجهات را از خود

ساختار بنیادی در نظام‌های اقتصادی، مالی، قضایی، و انتخاباتی کشور است و باید به دست یک دولت جدید اجرا شود که همزمان دو وظیفه خواهد داشت: نظارت بر این اصلاحات و برگزاری انتخابات پارلمانی در ماه می ۲۰۲۲. این یک روند طولانی و پیچیده ولی ممکن است. تنها نیازمندی آن اراده سیاسی است؛ در غیر آن نجات لبنان ماموریت ممکن نیست.

از زمانی که اعتراضات سال ۲۰۱۹ لبنان را تکان داد، به رغم تلاش‌ها و ابتکارات متعدد بین‌المللی برای لبنان، طبقه سیاسی این کشور بر جهت مخالف اصرار داشته‌اند. در واقع، آنها مقاومت فوق‌العاده یکپارچه‌ای در برابر نقشه راه اصلاحات نشان دادند و با هر گونه سازشی برای نجات لبنان از تبدیل شدن به یک کشور ورشکسته مخالفت کردند. اصطلاح «طبقه سیاسی» معنای خاصی در لبنان دارد، چون به هدفی عمومی برای تمام جنبش‌های اپوزیسیون این کشور بدل شده است. در واقع، شعار اصلی اعتراضات ۲۰۱۹ که صدها هزار لبنانی را از همه فرقه‌ها و جریان‌های سیاسی به خیابان‌ها کشاند، «همه آن‌ها!» بود - بازتاب این احساس که هر شخصیت سیاسی، هر یک از رهبران، و همه بخش‌ها در کشور مسئول شرایط وخیم لبنان هستند.

ولی «همه آن‌ها!» در واقعیت برخی از خصوصیات مهم بحران لبنان را پنهان می‌کند. هرچند بسیاری از بازیگران نظام ملی شایسته است که مقصر دانسته شوند، بدون شک مجرم اصلی - تصمیم‌گیرنده اصلی کشور و موثرترین مدافع وضع فاسد موجود - حزب‌الله است.

برای «حزب خدا»، فساد سیاست اعلی است. حزب‌الله از طریق فساد، نهادهای حکومتی را ضعیف می‌کند و به جای همسویی با دولت، همسویی با بلوک سیاسی و فرقه خود را در میان گروه‌های لبنانی تقویت می‌کند. حزب‌الله لبنانی را ترجیح می‌دهد که بیشتر شبیه همان جامعه شیعه‌ای باشد که به سختی تلاش کرد آن را منزوی کند: لبنانی که فاقد تنوع، آزادی، و عاملیت باشد. ایده‌ال حزب‌الله تغییر شهروندان به پیروان وابسته و وفادار به رهبران فرقه است، چون به این گروه امکان می‌دهد مدعی کنترل مطلق بر جامعه شیعه باشد و ائتلاف‌هایی با دیگر فرقه‌ها و گروه‌های لبنانی شکل دهد. البته حزب‌الله این استراتژی را به تنهایی ابداع نکرده است - استفاده از فساد به عنوان ابزاری برای حفظ قدرت سیاسی، شیوه‌ای است که ایران، حامی حزب‌الله، در تمام کشورهایایی که نیروهای نیابتی دارد، ترویج کرده است.

این گروه که مانع واقعی تغییر در لبنان است، منحرف می‌کند. به جای آن، مهم‌ترین پرسشی که آمریکا و دوستان دیگر مردم لبنان باید به آن بپردازند این است که چگونه سلطه حزب‌الله را محدود و تضعیف کنند.

فقط تضعیف حزب‌الله می‌تواند فضا را برای اصلاحات، تغییر سیاسی، و پاسخگویی باز کند و مصونیتی را که این گروه برای شخصیت‌های فاسد تامین می‌کند، متزلزل سازد. همچنین، قطع پیوند میان حزب‌الله و شخصیت‌های غیرحزب‌الله این افراد را آسیب‌پذیرتر و لاجرم بیشتر پذیرای سازش می‌کند. با همه آنچه گفتیم اما در هم شکستن قدرت حزب‌الله آسان نخواهد بود. این کار نیز مثل بسیاری از چالش‌های منطقه باید بخشی از راهبرد کلان‌تر آمریکا در مقابله با نفوذ ایران در منطقه از جمله در لبنان باشد تا ستون‌های قدرتی را که حزب‌الله طی چهار دهه گذشته برافراشته تضعیف کند.

سه ستون قدرت حزب‌الله

سه ستونی که قدرت حزب‌الله بر آن‌ها بنا شده است عبارتند از: زرادخانه نظامی آن، متحدانش، و جماعت شیعه. طی چهل سال گذشته، این سازمان تمام منابع خود را در ساخت و تحکیم این ستون‌ها سرمایه‌گذاری کرده است. ولی به رغم تمام این تلاش‌ها، این ستون‌ها تحت فشار داخلی و خارجی متزلزل می‌شوند.

جامعه شیعه لبنان قدرت اصلی حزب‌الله و همین‌طور نقطه ضعف اصلی این گروه است. بدون این جامعه، این گروه نمی‌تواند جنگجو استخدام کند و بدون این پایگاه اجتماعی نمی‌تواند خود را از نظر سیاسی و مادی حفظ کند و دقیقاً به همین دلیل ایران از دهه ۱۹۸۰ همانقدر که در قدرت نظامی حزب‌الله سرمایه‌گذاری کرده در تقویت پایگاه شیعه آن نیز هزینه کرده است. ولی جامعه شیعه لبنان امروز عمیقاً بر سر ماموریت و آرمان حزب‌الله دچار شکاف شده است. در واقع، عناصر حمایت شیعه از حزب‌الله، یعنی روایت مقاومت، اشتغال‌زایی و ارائه خدمات و هویت شیعی، همگی به خاطر بحران‌های مالی و سیاسی در لبنان و هم در داخل حزب‌الله در حال از دست رفتن است.

شکی نیست که «حزب خدا» به رغم چالش‌های اقتصادی خود و ناتوانی ایران در تامین این گروه به اندازه دوره پیشاتحریم آمریکا در سال ۲۰۱۸، هنوز هم به خاطر دسترسی‌اش به ارز خارجی، عملیات‌های قاچاق به طور عام و قاچاق مواد مخدر به طور خاص، از نظر مالی قوی‌تر از بقیه احزاب لبنان است.^۶ ولی حزب‌الله

بعد از این چالش‌ها مجبور به تغییرات بزرگی در بودجه خود شده که خدمات اجتماعی، عملیات‌های نظامی، کسب‌وکارها، و سازوکارهای جذب نیروی این گروه را تضعیف کرده است.

از وقتی ایران به خاطر تاثیر مستقیم تحریم‌ها، حمایتش را از حزب‌الله کم کرد، این سازمان مجموعه‌ای از اقدامات ریاضتی را اجرا کرده که موقعیتش را به عنوان حمایتگر جامعه شیعه لبنان از بین برده است. این امر با کاهش حقوق کارکنان در ساختارهای رسانه‌ای، آموزشی، پزشکی، و نظامی حزب‌الله شروع شد. بنا به گزارش‌ها، کارکنان غیرنظامی فقط ۵۰ درصد حقوق‌های‌شان را دریافت کردند،^۷ و نهایتاً به پوند لبنان حقوق گرفتند،^۸ ارزی که حدود ۹۵ درصد ارزش خود را طی سال گذشته از دست داده است. حزب‌الله همچنین حدود هزار دفتر و ساخت مسکن برای کارکنان خود را در سراسر لبنان تعطیل کرده، بسیاری از نهادهای خود را ادغام کرده و تمام استخدام‌ها را متوقف ساخته است. بنا به گفته یکی از کارکنان پزشکی حزب‌الله که اخیراً شغل خود را رها کرده، سهم خدمات اجتماعی در بودجه این گروه شدیداً کاهش یافته و از ۵۰ درصد به حدود ۲۰ درصد رسیده است.

همچنین، هزینه‌هایی که حزب‌الله در سوریه و جاهای دیگر در منطقه متحمل شده، به اوضاع مالی این گروه آسیب زده است.^۹ در مورد متحدان حزب‌الله هم باید گفت که بدون همکاری مستقیم جنبش آزاد میهنی میشل عون و جنبش امل نبیه بڑی و حمایت غیرمستقیم سازمان‌های سیاسی سعد حریری و ولید جنبلاط—که هر دوی آن‌ها برای حفظ موقعیت و قدرت مالی خود به سازش تمایل دارند—حزب‌الله نمی‌توانست از اکثریت در پارلمان و دولت برخوردار شود یا انتخاب عون به عنوان رئیس‌جمهور را ترتیب دهد. این ستون هم در پی اعتراضات خیابانی گسترده در سال ۲۰۱۹ و وضع تحریم‌های آمریکا بر اساس «قانون عالمگیر مگنیتسکی» که شخصیت‌های سیاسی فاسد را هدف می‌گیرد، به لرزه درآمده است.^{۱۰}

سومین و مهم‌ترین ستون قدرت حزب‌الله—دارایی‌های نظامی آن—شامل موشک‌های دقیق‌زن و یک نیروی رزمی قوی است. این گروه به رغم مشکلات متعددی که دارد، بودجه معینی را برای جلوگیری از آسیب به زیرساخت نظامی خود اختصاص داده است. اما این ستون هم متزلزل است—امروز تهدید مفروض از طرف حزب‌الله، که مثل همیشه از سوی ایران حمایت می‌شود، از واقعیات امکانات این گروه فراتر می‌رود. هرچند تحریم‌های آمریکا علیه ایران مشکلاتی جدی برای حزب‌الله در توسعه زرادخانه‌اش ایجاد کرده، ولی حفظ یک نیروی منسجم، منضبط، و ایدئولوژیک مشکلی بزرگ‌تر است. این نیروی سابقاً نیرومند طی دهه گذشته چندپاره و بی‌نظم شده

بازی انتظار حزب الله

حزب الله تصمیم گرفته تا زمان حصول توافقی جدید بین ایران و آمریکا در وین، بحران سیاسی، مالی، و اجتماعی لبنان را مدیریت کند و نگذارد هیچ تلاشی برای حل و فصل آن به نتیجه برسد. حزب الله که متحدانش در حال گفتگو با جامعه جهانی هستند، سعی کرده از تشکیل هر دولتی که منجر به اصلاحات شود جلوگیری کند. در دیدگاه این گروه، یک لبنان از هم گسیخته که تحت کنترل خودش باشد، بهتر است از لبنانی احیاء شده که در کنترلش نباشد. مدیریت این بحران این سود را هم برای حزب الله در بردارد که می تواند با استفاده از عدم کنترل مرزها به افزایش عملیات های قاچاق پردازد و از فساد موجود برای افزایش تولید و قاچاق مواد مخدر هم بهره برداری کند. در این مسیر، حزب الله کماکان در قبال بحران انسانی کشور بی تفاوت است — این را می توان در قاچاق کالاها سو بسیدی که مردم شدیداً به آن ها نیاز دارند، مشاهده کرد.^{۱۱} واقعیت این است که حزب الله از بحران انسانی استقبال می کند، چون توجهات را از نقش این گروه در فروپاشی لبنان و فرار مغزها منحرف می کند؛ فراری که موجب کاهش نخبگان سیاسی و تضعیف مخالفت کلی با قدرت حزب الله می شود.^{۱۲}

حزب الله می داند که حامیان اصلی آن در میان شیعیان مدام ناراضی تر می شوند و دنبال ثبات، امنیت، و فرصت های اقتصادی هستند. تا وقتی این گروه برای احیای خدمات اجتماعی خود پول دارد، برای خفه کردن مخالفانش به تهدید، خشونت، و ترور متوسل می شود. کشتن لقمان سلیم در فوریه ۲۰۲۱ — منتقد بی باک و شیعه لبنانی که قتل او با وجود روابط بین المللی گسترده اش بی مجازات ماند — پیامی روشن بود. ولی تهدید و ارعاب نمی تواند خصومت و بیگانگی بسیاری از شیعیان را نسبت به حزب الله بپوشاند.

این گروه بعد از تحریم های آمریکا علیه ایران در سال ۲۰۱۸، برای تقویت چشم انداز مالی خود به منابع جایگزین روی آورده است. مثلاً حزب الله بعد از افزایش کنترل خود بر نهادهای حکومتی در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸، کنترل مستقیم وزارت بهداشت لبنان را در اختیار گرفت که چهارمین بودجه بزرگ دولت را به خود اختصاص داده است و بیشتر وجوه مالی خود را مستقیماً برای مصارف عمومی هزینه می کند. کنترل این وزارتخانه مجرای به حزب الله داد تا مبالغ هنگفتی را به حامیان خود اختصاص دهد که از اقدامات ریاضتی شبکه حزب الله آسیب دیده اند؛ همچنین این گروه کثالی پیدا کرد تا محصولات دارویی ایرانی را به لبنان سرازیر کند. حزب الله این داروهای ایرانی را که اغلب از طریق سوریه قاچاق می شوند، در داروخانه های خود تبلیغ می کند و می فروشد.

است. بدون تامین مالی کافی و منابع دیگر، حزب الله نمی تواند فرایند بازسازی را چنان که نیاز دارد، اجرا کند و جرات هم نمی کند از تسلیحات خود استفاده کند، چون می ترسد که ایران با توجه به تاثیر تحریم ها بر امور مالی اش نتواند دوباره آن ها را تامین کند. برای همین است که رهبری حزب الله کماکان به تهدید جنگ علیه اسرائیل ادامه می دهد ولی، در عمل، حملات اسرائیل را علیه پرسنل و پایگاه های نظامی خود در سوریه یا لبنان تلافی نمی کند.

به این ترتیب، شرایط ناخوشایند حزب الله را می توان این گونه خلاصه کرد: متحدان فاسد، بحران مالی که نمی گذارد این گروه شبکه خدمات اجتماعی خود را که به رخ همه کشیده — یعنی بخصوص شبکه درمانی، آموزشی، و نهادهای خیریه — حفظ کند، و گفتمان مقاومتی که دیگر معنای سابق را برای حامیانش ندارد. پایگاه حمایتی سابقاً وفادار این گروه، خود را در نقطه برخورد هویت، آگاهی جمعی، و وفاداری می بیند. برای کسانی که یک لبنان قوی را دوست دارند، شرایط فعلی یک فرصت سیاست گذاری عمده را ایجاد کرده است: افزایش فشار بر حزب الله و متحدانش، همگام با برقراری خطوط ارتباطی و حمایتی با گروه های شیعه — خصوصاً جامعه بازرگانان شیعه — که می خواهند از زیر سایه این گروه بیرون بیایند.

برای حزب الله، راه حل فرضی برای بحران این گروه، در وین نهفته است؛ جایی که مذاکرات ایران و آمریکا با هدف احیای توافقی هسته ای ایران موسوم به برجام ۲۰۱۵ انجام می شود. حزب الله امیدوار است چنین تحولی باعث رفع تحریم ها علیه اقتصاد ایران شود و سیل حمایت های مالی را روانه اصلی ترین نیروی نیابتی عرب تهران کند. در این دیدگاه، حزب الله می تواند با توجه به غرق شدن بقیه نظام لبنان در بحران، موقعیت خود را به عنوان قوی ترین نهاد کشور تحکیم کند. در واقع هم با توجه به سقوط پرستاب پوند لبنان، هر دلاری که حزب الله از ایران دریافت می کند حدود بیست برابر نسبت به فقط دو سال پیش ارزش خواهد داشت.

ولی بعید است تامین مالی سخاوتمندانه تر از سوی ایران نوشدارویی برای مشکلات ساختاری حزب الله باشد. حتی اگر حزب الله بتواند نهادهای خدمات اجتماعی خود را احیا کند، میلیارد ها دلار — خیلی بیشتر از آن چه ایران هرگز بتواند ارسال کند — برای رفع فساد مالی در حکومت لبنان نیاز است. افزون بر آن، ترمیم نارضایتی های درون جامعه شیعه مستلزم چیزی بیش از پول است؛ احیای اعتماد و وفاداری شیعیانی که دل سرد شده اند، زمان می برد. فحواي این نارضایتی ها و ظهور اپوزیسیون غیر سنتی شیعه فرصت هایی را برای به کارگیری ابزارهای سیاست گذاری ایجاد می کند — اما این ابزارها هم باید غیر سنتی باشند و برای جامعه هدف ساخته شده باشند.

بیشتر فروشندگان و خریداران دخیل در این تجارت بدون کنترل و عمدتاً غیرقانونی، به کسب‌وکارهای حزب‌الله و شبکه‌های حمایتی آن نزدیک هستند، که به طور بالقوه به گروه این امکان را می‌دهد که در مقایسه با نهادهای لبنانی دیگر، با آسیب کمتری از بحران اقتصادی بیرون بیاید. حزب‌الله از این محصولات برای کمک به زیرمجموعه کوچکی از خانواده‌های فقیر شیعه استفاده کرده است. گرچه این تلاش ناچیز بوده است، رسانه‌های حزب‌الله آن را در حد ابتکار عمل بزرگی در مقابله با بحران فعلی برای کمک به جامعه شیعه بزرگ‌نمایی کردند—خصوصاً با برجسته‌کردن فروشگاه‌های زنجیره‌ای النور متعلق به حزب‌الله و کارت السجاد که یک مساعدهٔ تامین اجتماعی است و به دارندگانش امکان می‌دهد در این فروشگاه‌ها تخفیف بگیرند.^{۱۳} دارندگان کارت السجاد ماهیانه ۳۰۰ هزار پوند (حدود ۱۵ دلار آمریکا در ۱ آگوست) شارژ رایگان دریافت می‌کنند، که برای تاثیرگذاری بر گروه‌های فقیرتر لبنانی کافی است.^{۱۴}

در دسامبر ۲۰۲۰ سندی رسمی که به رسانه‌های لبنان درز کرد نشان داد بودجه دولتی‌ای که وزارت بهداشت به بیمارستان‌های حزب‌الله می‌فرستد بیش از مجموع بودجه تمام بیمارستان‌های دیگر لبنان است.^{۱۵} مثلاً بیمارستان الرسول‌الاعظم در ضاحیه، در حومه جنوبی بیروت، تقریباً به اندازه سه بیمارستان از بزرگ‌ترین بیمارستان‌های شهر یعنی مرکز درمانی دانشگاه آمریکایی بیروت، بیمارستان سنت جورج، و هتل-دئو دو فرانس—حمایت مالی دریافت کرده است. مطابق ارقام اولیه، بیمارستان رسول‌الاعظم در سال ۲۰۲۰ معادل ۹/۷ میلیون دلار دریافت کرده است (یعنی به نرخ مبادله رسمی با پوند لبنان، افزایشی معادل ۳/۶ میلیون دلاری از سال ۲۰۱۹)؛ در حالی که سه بیمارستان بزرگ یادشده، که همه آن‌ها از انفجار بندر بیروت زیان دیدند، حداکثر ۸/۱۰ میلیون دلار دریافت کرده اند.

حزب‌الله گذشته از دوشیدن دولت از طریق وزارت بهداشت و با بهره بردن از متحدان سیاسی خود، به وزارتخانه‌های حمل و نقل و خدمات عمومی، کشاورزی، و انرژی و آب هم دسترسی دارد و از عواید آن برای تامین مالی پروژه‌ها و کسب‌وکارهای خود استفاده می‌کند. ولی این گروه همیشه وجوه مالی دولتی را مستقیماً به نهادهای خودش سرازیر نمی‌کند، بلکه گاهی از نفوذ خود در نهادهای دولتی به نفع جماعت‌ها (ی طرفدار) و تامین مالی عملیات‌ها استفاده می‌کند. وزارتخانه‌ها تحت فشار سیاسی و به خاطر فساد، قراردادهای سودآور را به حامیان حزب‌الله می‌دهند و شهرداری‌ها پروژه‌هایی را تامین مالی می‌کنند که به حزب‌الله و حامیانش سود می‌رساند. مثلاً شهرداری بعلبک هزینه برخی

برنامه‌ها را که حزب‌الله در شهر ترتیب داده بود، تامین کرد و برخی شهرداری‌های ضاحیه هم برای برنامه‌های خیریه حزب‌الله در سال ۲۰۱۹ پول دادند.^{۱۶} اما وقتی اوضاع مالی دولت به شکل فزاینده‌ای دشوار شد و به مرز ورشکستگی رسید، حزب‌الله متوجه شد که نیاز دارد استراتژی پایداری اتخاذ کند. برای همین از اتکا به امور مالی دولت به سمت دارایی‌های دولت تغییر جهت داد تا عملیات‌های غیرقانونی خود مثل قاچاق و تولید مواد مخدر را پیش ببرد. این افزایش قاچاق در سراسر مرز سوریه و از طریق بندر بیروت از انتهای سال ۲۰۱۹ فوق‌العاده شدت گرفت—که به خاطر بحران مالی حزب‌الله بود که روز به روز بدتر می‌شد. حزب‌الله بسیاری از اقلام اساسی و سوپرسیدی لبنان از جمله سوخت، دارو و غذا را در کنترل خود گرفت، تا آن‌ها را برای سود با قیمت‌های بالاتر در خارج بفروشد. این امر منجر به کمبود و بازار سیاه در داخل شد. طی این دوره، تولید و قاچاق مواد مخدر بین لبنان و سوریه اوج گرفت؛ دو کشوری که گویا به طور روزافزونی به دست کارتل‌ها اداره می‌شوند.^{۱۷}

حزب‌الله همچنین از بحران ملی بهره‌برداری کرده تا واردات مقادیر عظیمی از محصولات ایرانی را به لبنان سازماندهی کند؛ این محصولات معاف از مالیات وارد می‌شوند و برای همین خیلی ارزان هستند. وقتی هم حزب‌الله کمپین خود را برای تحریم کالاهای آمریکایی در سال ۲۰۲۰ به راه انداخت،^{۱۸} بسیاری از رسانه‌های اجتماعی‌اش شروع به تبلیغ کالاهای ایرانی به عنوان جایگزین کردند. بر کسی پوشیده نیست که تهران سال‌هاست بازار لبنان را با انواع محصولات اشباع کرده و در بحبوحه فشارهای مالی احتمالاً این تلاش‌ها را بیشتر خواهد کرد. برای نمونه، گفته می‌شود که بین سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۹ واردات فولاد ایران به لبنان از فقط ۱۳۰۰۰ دلار به ۱/۴ میلیون دلار جهش کرده است.^{۱۹}

در حوزه خرده‌فروشی، حزب‌الله فروشگاه‌های النور خود را در جنوب لبنان افتتاح کرده؛ دو فروشگاه در بقاع، و دو فروشگاه دیگر هم در حومه بیروت. هر کدام از این فروشگاه‌ها پر است از محصولات ایرانی و سوری که با قیمت‌های پایین‌تر از کالاهای وارداتی در سوپرمارکت‌های رقیب فروخته می‌شود. از این گذشته، موسسه مالی حزب‌الله، «قرض الحسن»، دو دستگاه خودپرداز در شعبه‌های حومه جنوبی بیروت نصب کرده که بنا به گزارش‌ها پرداخت نقدی و وام‌ها را بدون محدودیت موجود در بانک‌های متعارف برای ساکنین محلی تسهیل می‌کند. از آنجایی که قرض الحسن نه بانک است و نه موسسه مالی رسمی، از بانک مرکزی لبنان یا هیچ نهاد دولتی پول دریافت نمی‌کند. پس بدون کنترل است و قوانینش را خود تعیین می‌کند و قراردادهایش را خود

وقوع چنان اعتراضاتی از قطع شدن راه‌های حیاتی عملیات‌های حزب‌الله، مثل بزرگراه بیروت-جنوب و جاده فرودگاه در حاشیه ضاحیه، جلوگیری کند.

خلاصه آنکه ابزارهای این گروه برای تامین کمک اجتماعی و انسانی، ناقص، ناکافی، و عمدتاً در جهت تضمین بقای خودش است. این امر فرصت‌هایی برای آشکارکردن ضعف حزب‌الله و توانمندسازی رقیبانش درون جامعه شیعه و، در نتیجه، کمترکردن سلطه حزب‌الله بر شیعیان لبنان فراهم می‌کند. مشخصاً جامعه جهانی باید سعی کند مشکلاتی را هدف بگیرد که حزب‌الله نمی‌تواند رفع کند. این کار باید از طریق شبکه جایگزینی از ارائه خدمات و کمک از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد مستقل ارائه شود. در پی اعتراضات ۲۰۱۹ در مناطق شیعه حالا گروه‌های دیگری نفوذ پیدا کرده‌اند، از قبیل «جنوبی‌های مستقل» و «جنوبی‌ها برای آزادی».^{۲۴} ولی اگر جامعه بین‌المللی نتواند اقدام کند، عموم شیعیان کماکان برای بقا به حزب‌الله وابسته خواهند ماند، که این موجب تقویت گروه و حامیانش می‌شود.

سیاست آمریکا در مقابل استراتژی ایران در لبنان

برای بیشترکردن شکاف بین حزب‌الله و جماعت شیعه و ایجاد استراتژی‌هایی برای کمک به شیعیان که بتوانند به مرحله جدیدی وارد شوند، توصیه‌های معمول سیاست‌گذاری این است که از آلترناتیوهای سیاسی حزب‌الله حمایت شود. متأسفانه این رویکردی عملی نیست، چه در جماعت شیعه و چه به طور کلی در سراسر لبنان. در پی اعتراضات سال ۲۰۱۹ در لبنان، آلترناتیوهای سیاسی شکل پیچیده‌تری گرفته است و این بدیل‌ها در جماعت شیعه پیچیده‌تر هم هست.

خانواده‌های شیعه سنتی—مثلاً: الاسد، الامین، و الحسینی—و شخصیت‌های قدیمی اپوزیسیون، و شخصیت‌های مذهبی از شهر مقدس نجف در عراق، همگی میزانی از نفوذ و توانایی برای تقویت گفتار ضد-حزب‌الله دارند. ولی نفوذ آن‌ها رو به زوال است و جای آن‌ها را به طور فزاینده گروه‌های غیرسنتی می‌گیرند که اعضای‌شان جوان‌تر، کارآفرین‌تر، و در استفاده از شبکه‌های اجتماعی هوشمندتر هستند. این گروه‌ها رهبری ندارند و نهاد منسجم منفردی را تشکیل نمی‌دهند. آنها از نظر پیشینه، شکل گروه، سازمان، و رسالتی که برای خود قائل اند بسیار متفاوت هستند و طیفی از گرایش‌ها در جماعت شیعه را نمایندگی می‌کنند.

منعقد می‌کند و، در هر صورت، اقتصاد موازی حزب‌الله و ساختار مالی آن را طوری تقویت می‌کند که می‌تواند نهایتاً قرض‌الحسن را به تنها سیستم بانکی پایدار کشور بدل کند.

با وجود محدودیت حیطه این ابتکارات و دیگر ابتکارات حزب‌الله، به نظر می‌رسد تلاش‌های مدیریت بحران این گروه از تلاش‌های هر حزب سیاسی، سازمان جامعه مدنی، و کانال کمک خارجی دیگر لبنان خیلی بهتر بوده است. ساختار نظامی گروه، تخصص سازمانی، دسترسی به منابع درآمد جایگزین، و شبکه رسانه‌ای یکپارچه، گروه را قادر می‌سازد تا استراتژی‌های موقت برای بقا در بحران جاری را دنبال کند و، در عین حال، از نهادهای دولتی مستقل بماند. حزب‌الله می‌تواند قدری حمایت از سوی پایگاه اصلی شیعه خود را حفظ کند و، همزمان، بسیاری از شیعیان را از پیوستن به هر گونه دور تازه‌ای از آشوب عمومی منصرف کند.

ولی حتی اگر به نظر برسد حزب‌الله موقعیت مناسبی برای از سر گذاردن توفان دارد، مردم لبنان از جمله خاستگاه حمایتی حزب‌الله—چنین موقعیتی ندارند. تلاش گروه برای جبران کمبودهای سراسری با تامین غذا، مایحتاج خانگی، و دارو برای حامیان خود، شامل نیازهای ملی و مبرم دیگر مثل برق، اینترنت، مراقبت بیماران بستری، و اشتغال نمی‌شود. شیعیان لبنان شاهد سقوط شدید و سریع استاندارد زندگی‌شان بوده‌اند و دلایل اصلی آن را می‌دانند: فساد و حامی‌پروری که حزب‌الله سرسختانه از آن دفاع می‌کند.^{۲۵}

از سال ۲۰۱۸، علاوه بر شکاف بین اعضای حزب‌الله و جامعه بزرگ‌تر شیعه، شکاف‌های مالی و اجتماعی بین کارکنان نظامی و غیرنظامی گروه هم بیشتر شده است. هرچند خدمات اجتماعی محدود حزب‌الله می‌تواند به حفظ وفاداری در میان نزدیک‌ترین حلقه‌های آن کمک کند، اما حس نابرابری موجب تشدید ناراضی‌های جمعی شده است.

کارت السجاد، به رغم تبلیغات عمومی حزب‌الله، نمونه مشکلات این گروه است. بنا به گفته ساکنین ضاحیه، فقط اعضا و کارکنان حزب‌الله تاکنون این کارت را دریافت کرده‌اند و اجازه دارند از فروشگاه‌های النور خرید کنند.^{۲۱} منابع این خبر می‌گویند همسو با زوال ملی لبنان، مقامات حزب‌الله کارکنان و اعضای بلندپایه خود را برای بدترشدن شرایط مالی خود حزب‌الله آماده کرده‌اند.^{۲۲} این آماده‌سازی‌ها در دو سطح انجام می‌شود: اول، حزب‌الله اقلام اساسی‌ای را خریده که از سوی بانک مرکزی سوبسید دریافت می‌کنند، و آنها را عمدتاً در واحدهای خصوصی در جنوب لبنان و بقاع انبار کرده است.^{۲۳} دوم، حزب‌الله در حال سازمان‌دهی یگان‌های امنیت ویژه‌ای برای مدیریت اعتراضات مورد انتظار عمدتاً در مناطق شیعه بوده است، که اساساً هدف از آن این است که با

با اینهمه، این گروه‌های نوظهور را می‌توان به طور کلی این گونه توصیف کرد: آن‌ها شبکه‌های کسب‌وکاری هستند که اعضای‌شان می‌خواهند خود را از حزب‌الله جدا کنند؛ دانشجویانی که در اعتراضات خیابانی شرکت کرده‌اند، فعالان شبکه‌های اجتماعی که قادرند کمپین‌های آنلاین را سازماندهی کنند، و متخصصان جوانی که بعد از جنگ داخلی لبنان (۱۹۷۵-۱۹۹۰) به بلوغ رسیده‌اند و، بنابراین، شاهد «پیروزی‌های الهی» حزب‌الله نبوده‌اند یا روایت افتخارات گذشته را نشنیده‌اند. این گروه‌ها و افراد با خاطره جمعی شیعیان همذات‌پنداری نزدیکی ندارند و دنبال آینده‌ای آزاد از قید ولایت فقیه هستند - اصلی فقهی که مرجعیت نهایی را به رهبر ایران می‌بخشد. نگرانی‌های اصلی آنها بیشتر اقتصادی و اجتماعی است تا سیاسی و ایدئولوژیک. آنها آرزو دارند بخشی از تغییری باشند که لبنان نیاز دارد و احزاب سنتی در عرصه سیاسی جذابیتی برای‌شان ندارد.

اگر از این بدیل‌های سیاسی حمایت و حفاظت شود، می‌تواند به تغییر راهبر شوند. این گروه‌ها گرچه رهبری یا حزب سنتی ندارند، ولی کانال‌های ارتباطی موثری از زمان اعتراضات برقرار کرده‌اند. با این حال، جامعه جهانی تاکنون توجه مناسبی به آنها نداشته است. سیاست‌گذاری آمریکا برای لبنان هم عمدتاً بر کمک امنیتی و بشردوستانه تأکید می‌کند.^{۲۵} تلاش‌های دیگر نیز برای وضع تحریم‌ها علیه حزب‌الله، و اخیراً برخی از متحدان لبنانی‌اش مثل جبران باسیل رهبر جنبش آزاد میهنی و علی حسن خلیل عضو پارلمان از حزب امل، طراحی شده است.^{۲۶} واشنگتن چندان در ابتکارات قدرت نرم که روایت و گفتار حزب‌الله را هدف بگیرد سرمایه‌گذاری نکرده، و وقتی هم کرده کمک‌های مالی به منابع سنتی اختصاص یافته که طرح‌های کوتاه‌مدتی با نتایج فوری داشته‌اند. آن چه مفقود است، تلاش هماهنگ آمریکا برای مقابله با قدرت نرم ایران (و حزب‌الله) در لبنان است - اکنون بهترین زمان برای اجرای چنین برنامه‌ای است. ابتکار اخیر آمریکا برای آوردن برق به لبنان با استفاده از گاز طبیعی مصر گامی در جهت درست است.^{۲۷}

میزان کمک آمریکا هم به بیان روایت مناسب کمک می‌کند: از سال ۲۰۱۰ این گونه کمک‌ها به لبنان از ۴ میلیارد دلار فراتر رفته است.^{۲۸} عمده این وجوه صرف حمایت از نهادهای امنیتی، نیازهای اقتصادی، حکمرانی خوب و بهبود خدمات عمومی اساسی در لبنان از قبیل آموزش و بهداشت آب شده است. از سال ۲۰۰۶، واشنگتن بیش از ۲ میلیارد دلار کمک در قالب امنیت دوجانبه به ارتش لبنان ارائه کرده است و، از سال ۲۰۱۱، نیز ۲/۳ میلیارد دلار کمک بشردوستانه فراهم کرده است؛ یعنی از وقتی که جنگ داخلی سوریه شروع شد و عمدتاً برای حمایت از پناهندگان و مناطقی که

میزبان آنها می‌شوند. علاوه بر این، واشنگتن از طریق آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا (USAID) کمکی فوری به مبلغ ۴۱/۶ میلیون دلار طی همه‌گیری کرونا، و ۱۸ میلیون دلار کمک بشردوستانه در پی انفجار بندر بیروت در سال ۲۰۲۰ اعطا کرده است که شامل بیش از ۱۵ میلیون دلار حمایت آژانس برای امدادهای اضطراری است. روی هم رفته، آمریکا با اختلاف زیاد تا اینجا تنها کشوری است که بیشترین حمایت مالی را از لبنان انجام داده است.

ایران استراتژی متفاوتی دارد. به جای پاسخ به بحران‌های فوری، از کمک به عنوان ابزار قدرت نرم بهره می‌برد تا با جلب اعتماد، ایجاد قابلیت اتکا و ثبات رویه در لبنان ریشه بدواند. حزب‌الله از زمان تشکیل در حدود چهل سال پیش در تمام مراحل - و به‌رغم تمام تغییرات و مشکلاتی که با آن‌ها مواجه شده - بر یک اولویت همواره ثابت مانده است: حفظ اعتماد جماعت شیعه، وفاداری آن، و وابستگی‌اش به حزب‌الله. برای همین، هدف بیشتر تلاش‌های غیرنظامی حزب‌الله ایجاد و حفظ ابتکارات قدرت نرم بوده است. ایران می‌داند که قدرت نرم ریشه‌ها را تغذیه می‌کند و در طی جنگ‌ها و تحریم‌ها به‌سختی از بین می‌رود، و تنها دلیل اینکه رابطه بین حزب‌الله و جماعت شیعه اکنون در حال تغییر است این است که این ابزارهای قدرت نرم به مانع برخورد کرده‌اند.

حامیان ایرانی حزب‌الله همچنین دانستند که ریشه دواندن در یک جماعت مستلزم رویکردی بلندمدت است که از زور نظامی و قدرت مالی فراتر می‌رود. پس در حالی که آمریکا و اروپا در اپوزیسیون سیاسی نسل قدیم و برنامه‌های عمرانی شهرداری‌ها و کمک امنیتی (به ارتش) سرمایه‌گذاری می‌کردند، ایران داشت منابع خود را در گروه‌های غیرسنتی، برنامه‌های آموزشی و فوق‌برنامه، و کمک هزینه تحصیلی سرمایه‌گذاری می‌کرد؛ دریافت‌کنندگان خاص هم شبکه‌های خود ایران یعنی مدارس المهدی و المصطفی و پیشاهنگان امام المهدی بوده‌اند.^{۲۹} ایران همچنین در هر دو بخش رسانه‌های سنتی و شبکه‌های اجتماعی سرمایه‌گذاری زیادی کرده است و برای متخصصان تحصیلکرده شغل ایجاد کرده تا کسب‌وکار و جامعه حرفه‌ای حزب‌الله را غنی‌تر کند.

همان‌طور که این مطالعه تا اینجا روشن ساخته است، حالا زمان آن است که جامعه جهانی رویکرد قدرت نرم خود را اصلاح کند تا حزب‌الله و حامیان ایرانی‌اش را تضعیف کند. دخالت حزب‌الله در جنگ سوریه به نیابت از رژیم اسد، سوءاستفاده‌های فسادآمیزش در مقام حزب سیاسی مسلط لبنان در جریان زوال اقتصاد ملی، و یک جماعت شیعه تغییر یافته همگی فرصت‌های بزرگی برای تضعیف حزب‌الله و حمایت از جامعه احیاشده لبنان به وجود آورده است.

شکاف‌ها در پایگاه اجتماعی حزب‌الله؛ گزینه‌های سیاست‌گذاری

امل به لحاظ تاریخی برای پاداش دادن به وفاداران خود از مشاغل دولتی استفاده می‌کند، ولی این مشاغل — با حقوق‌هایی که به پوند لبنان پرداخت می‌شود — دیگر برای تامین هزینه زندگی یک خانواده کافی نیست.

جدا از این‌ها، اخیراً خصومت بین دو حزب در قالب نزاع‌های خیابانی در شهرها و شهرستان‌های شیعه‌نشین دوباره بروز کرده است. حزب‌الله در اوایل دهه ۱۹۸۰ از امل منشعب شد. امل همچنین در حال تبدیل شدن به نقطه‌ضعفی برای حزب‌الله است، چون نیبه بری رئیس پارلمان لبنان، به دلیل فساد نسبت داده شده به او و خانواده‌اش، خشم معترضان را برانگیخته است. از این گذشته، یکی از دستیاران نیبه بری — علی حسن خلیلی نماینده پارلمان از حزب امل — در سپتامبر ۲۰۲۰ از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا به خاطر فساد تحریم شده است.^{۳۲}

فعلاً حزب‌الله نشان داده که ترجیح می‌دهد اتحادش را با نیبه بری حفظ کند، ولی اگر محبوبیت بری و دسترسی او به نهادها کم شود، حزب‌الله به راحتی می‌تواند سراغ شخصیت دیگری برود؛ مثلاً عباس ابراهیم رئیس اداره کل امنیت عمومی لبنان، یا جمیل السید رئیس سابق همین اداره که از هواداران حزب‌الله در مجلس و حامی سرسخت رژیم اسد در سوریه است. چنین تحولی شکاف بین حامیان امل و حزب‌الله را بیشتر خواهد کرد.

گروه‌های وابسته به نجف

بسیاری از شخصیت‌های شیعه وابسته به مکاتب فکری میانه‌روتر هستند که نجف پایگاه آن مکاتب است. نجف مرکز اصلی آموزش شیعیان در عراق و رقیب قم است که کانون مذهبی ایران (و حزب‌الله) به شمار می‌آید. این شخصیت‌ها آشکارا علیه حزب‌الله در لبنان سخن می‌گویند؛ خصوصاً بعد از اعتراضات خیابانی ضد ایران در مناطق شیعه‌نشین عراق در سال ۲۰۱۹. شخصیت‌های دینی و کنشگران سیاسی لبنان برای الهام گرفتن و راهنمایی به نجف نگاه می‌کنند، ولی مهم‌تر از آن برای کسب توانمندی به آن توجه دارند. برخی از این شخصیت‌های دینی لبنان نظراتی ضد حزب‌الله و ضد رژیم ایران بیان می‌کنند و از پیروان گسترده‌ای برخوردارند. یکی از آن‌ها شیخ یاسر عوده است که از اعتراضات هم حمایت کرد و خواستار بیدارشدن شیعیان شد.

طوایف بقاع

شیعیان طوایف دره بقاع در مقایسه با طوایف جنوب لبنان همیشه صراحت بیان بیشتری داشته‌اند که به خاطر توانمندی ناشی از

جامعه شیعه لبنان دوره‌های متعددی را همراه با چالش‌های آن تجربه کرده است. شکاف‌ها حالا بین شیعیان لبنان و حزب‌الله آشکار شده است و ویژگی‌های خاص این جریان فرصت‌های سیاست‌گذاری منحصر به فردی برای بازیگران بین‌المللی فراهم می‌کند.

شکاف روزافزون بین حزب‌الله و جماعت شیعه

یکی از دلایل مشخص شکاف روزافزون بین حامیان اصلی حزب‌الله و جماعت شیعیان، پرداخت حقوق بعضی کارکنان به دلار آمریکایی همزمان با کاهش شدید ارزش پوند لبنان است. پیش از بحران مالی که در ۲۰۱۹ شروع شد،^{۳۰} میانگین حقوق ماهانه در حزب‌الله ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ دلار بود، در همان زمان یک کارمند بخش خصوصی در شغل مشابه معادل ۲۰۰۰ دلار دریافت می‌کرد. این دست کارکنان حزب‌الله معمولاً فاقد صلاحیت لازم برای کسب شغلی در بخش خصوصی بودند، و برای همین هم چنین دستمزد پایی را قبول می‌کردند. ولی وقتی پوند لبنان کم‌ارزش شد، حقوق یک کارمند بخش خصوصی به پوند لبنان — مشروط به اینکه آن کارمند برکنار نشده باشد — در مقابل حقوق دلاری برخی پرسنل حزب‌الله، خصوصاً در حوزه نظامی، وضعیت را تغییر داد. امروز کارمندان کم‌درآمد بخش خصوصی یا دولتی معادل کمتر از ۲۰۰ دلار در ماه می‌توانند حقوق بگیرند، در حالی که حقوق هم‌تایان‌شان در حزب‌الله ۴۰۰ دلار است.^{۳۱}

علاوه بر این، هواداران حزب‌الله از طریق واحد جدید تامین اجتماعی این گروه، کمک‌های غذایی و نودوستانه دریافت می‌کنند، در حالی که بقیه شیعیان لبنان دسترسی‌شان را به خدمات اولیه از دست می‌دهند. شکاف‌های اقتصادی در حال افزایش است و گفتار سیاسی حزب‌الله درباره «محاصره» آمریکایی — یعنی تحریم‌های هدفمند علیه دارایی‌های حزب‌الله — و ارزش «صبر استراتژیک»، توخالی به نظر می‌رسد.

حامیان امل در برابر حامیان حزب‌الله

به همین دلایل اقتصادی، حامیان جنبش امل — دومین حزب عمده لبنان و متحد حزب‌الله — به شکلی روزافزون شاهد تفاوت بین سبک زندگی‌شان با اعضای حزب‌الله هستند. این موضوع به خصوص بعد از سال ۲۰۱۹ رخ داد که امل پرداخت حقوق بسیاری از اعضا و کارکنان خود را متوقف کرد.

و آفریقا، به خاطر تحریم‌های آمریکا علیه تجارت‌های وابسته به حزب‌الله و تردید فزاینده بازیگران خلیج فارس برای کار با شیعیان لبنان، می‌خواهند از حزب‌الله فاصله بگیرند. از آن مهم‌تر اینکه این افراد می‌خواهند تصور بین‌المللی از کسب‌وکارهای شیعیان را تغییر دهند و سوءظن به خود را که مانع به دست آوردن منابع مالی و سرمایه‌گذاری است، برطرف کنند. شماری از شخصیت‌های تجاری شیعه در مصاحبه من با آنها، علاقه داشتند که دیدگاه‌های‌شان را به محافل سیاست‌گذاری آمریکا و اروپا منتقل کنند و از آن‌ها مشورت بگیرند. از دیدگاه صرفاً مالی، ربط دادن همه شیعیان به حزب‌الله هزینه سنگینی به این بازیگران تحمیل می‌کند.

این کسب‌وکارها در جستجوی فضای باز برای خودشان و دیگر شیعیانی که از پی آنها خواهند آمد، اولاً از اپوزیسیون حزب‌الله حمایت می‌کنند یا علناً خود را وابسته به آن معرفی می‌کنند و، دوم، برای ایجاد بدیل‌های اقتصادی شغل و وام— برای نسل جوان‌تر شیعیان لبنان محتاطانه کمک‌های مالی جلب می‌کنند تا آن‌ها فرصت‌هایی را در بیرون از مدار حزب‌الله داشته باشند. ولی چنین تلاش‌هایی در مراحل اولیه است و فقط در صورتی موفق خواهد شد که به‌خصوص جوانان شیعه از آن استقبال کنند و از سوی بازیگران بین‌المللی حمایت اخلاقی و عملی دریافت کنند.

همان‌طور که قتل لقمان سلیم نشان داد، به چالش کشیدن حزب‌الله از درون جامعه شیعه خطرناک است. این گروه به طور پیوسته کنشگران، روزنامه‌نگاران، و بازیگران را به محض قدرت گرفتن سرکوب می‌کند. اما این رویکرد سرکوبگرانه، هر قدر هم موثر باشد، به نارضایتی دامن می‌زند و راه‌هایی تازه برای پرورش بدیل‌هایی برای جامعه شیعه باز می‌کند.

حزب‌الله از روزهای اول خود که گروه «مقاومت» تلقی می‌شد، رشد بسیار زیادی کرده است: نقشی پیشرو در منطقه پیدا کرده که ایران ارزش آن را می‌داند، قدرتی گسترده در لبنان شده که می‌تواند قاچاق و دسترسی به خدمات دولتی را تسهیل کند، و یک قدرت نظامی ارتقاء یافته است مسلح به تسلیحات مختلف از جمله موشک‌های دقیق‌زن که می‌تواند اهداف استراتژیک اسرائیلی را تهدید کند. اما در سال ۲۰۱۸، حزب‌الله شروع به درخواست کمک مالی از شیعیانی کرد که قرار بود بهره‌مندان خدمات‌اش باشند— و بعد اوضاع تغییر کرد. شکاف‌ها کم‌کم در ساختار گروه و در پایگاه حمایتی آن ظاهر شد. یکی از قربانیان اصلی ضعف اخیر حزب‌الله، کارزار قدرت نرم آن تحت هدایت ایران بوده است. برای اولین بار در تاریخ این گروه— فقط به دلایل مالی— ایران بر تشکیلات نظامی حزب‌الله تمرکز کرده و برنامه‌های قدرت نرم آن یا به حالت تعلیق در آمده یا شدیداً محدود شده است.

ساختار قبیله‌ای آن‌هاست. حالا که حزب‌الله نتوانسته وعده‌هایش را به قبایل بعلبک-هرمل در زمینه پروژه‌های عمرانی، کاهش فقر، و قانون عفو عمومی در مورد جرائم مواد مخدر محقق سازد— که این مورد آخر برای آرام‌کردن اجتماعات طی اعتراضات اکتبر ۲۰۱۹ وعده داده شد— حس سرخوردگی عمیق‌تر شده است.^{۳۳} بنا به گزارش‌های متعدد، حزب‌الله نگران است که شیعیان بقاع این ناکامی‌ها را در رای خود علیه حزب‌الله در انتخابات شهرداری و پارلمانی می ۲۰۲۲ بروز بدهند.

گروه‌های چپ‌گرا

جای تعجب ندارد که بیشتر شیعیانی که در اعتراضات اکتبر شرکت کردند خود را چپ‌گرا یا کمونیست— سابق یا امروزی— معرفی می‌کنند. این گروه‌ها و افراد به تصور خود از گفتمان انقلابی چپ‌گرا قدرت می‌گیرند، خصوصاً با توجه به زنجیره ناکامی‌های حزب‌الله، هم در منطقه و در داخل، بعد از پیروزی‌اش در انتخابات پارلمانی. افزون بر آن، سیاست چپ‌گرا تاریخی طولانی در جماعت شیعیان لبنان دارد، و احزاب چپ‌گرا و کمونیست به لحاظ تاریخی عمدتاً از شیعیان تشکیل می‌شدند. حسن حمدان و حسین مروء، از رهبران این گرایش، هر دو در سال ۱۹۸۷ به دست حزب‌الله ترور شدند. گرچه امروز چپ‌گرایان لبنان بدون رهبر هستند، ولی بخش بزرگی از آنها همچنان از شیعیان اند. در شهرهای جنوبی مثل نبطیه و صور که به خاطر تاریخچه خود در سیاست چپ‌گرایانه شناخته می‌شوند، سازماندهی اعتراضات خیلی فعال بوده است. در این مناطق صداهای ضد حزب‌الله خیلی بلند بود، همراه با انتقادات معمول از بانک‌ها و رئیس بانک مرکزی لبنان. حالا که کشور برای انتخابات آماده می‌شود، این گروه‌ها حتی فعال‌تر و سازمان‌یافته‌تر خواهند شد.

جامعه تجاری

جامعه تجاری شیعیان لبنان مدتی است که تلاش کرده از حزب‌الله فاصله بگیرد، عمدتاً برای نجات خود از تحریم‌ها یا انزوای مالی. حال نشانه‌هایی دیده می‌شود حاکی از اینکه بخشی از این جامعه، خصوصاً با توجه به تزلزل اقتصادی حزب‌الله، احتمالاً خود را برای تشکیل یک وزنه اقتصادی— سیاسی در برابر حزب‌الله سازماندهی می‌کند.

نه تنها اعضای جامعه تجاری بلکه متخصصان و دانشجویان هم بی‌سروصدا در حال تشکیل این ساختارهای جدید بوده‌اند و با کنشگران سیاسی تماس برقرار کرده‌اند.^{۳۴} ولی به طور خاص این بازیگران اند که، خواه کسب‌وکارشان در لبنان باشد یا در اروپا

قانون مکنیتسکی علیه سیاستمداران فاسد با مدارک جدی همراه است، و حتی اگر افراد مورد هدف موضع‌شان را عوض نکنند، عموم مردم می‌توانند مدارک را بررسی کنند و خودشان تصمیم بگیرند.

مثلا جبران باسیل دیگر نمی‌تواند رویاهایش را برای تبدیل شدن به رئیس‌جمهور بعدی لبنان با حمایت بین‌المللی محقق کند. رئیس‌جمهوری که تحت تحریم‌های آمریکا باشد نمی‌تواند روابط خوبی بین لبنان با جامعه جهانی ایجاد کند. حزب‌الله به نوبه خود مشکلات اقتصادی‌اش را به گردن آمریکا می‌اندازد و از حامیانش می‌خواهد مقاومت کنند و ثابت‌قدم باشند؛ یعنی عمق مشکل را می‌پذیرد ولی آن را امری موقت نشان می‌دهد. مثلا یکی از فرماندهان بلندپایه گروه در ژانویه ۲۰۲۰ گفت که این گروه بیش از ۴۰ درصد از حامیان شیعه خود را از دست داده است: «ما می‌دانیم که این رقم بیشتر خواهد شد؛ ولی نگران نیستیم. آن‌هایی که از دست دادیم جایی ندارند بروند، و وقتی بحران تمام شود به ما برخواهند گشت.»^{۳۶}

آمریکا، اروپا و کشورهای خلیج فارس با هماهنگی از طریق بخش خصوصی شیعیان - عمده‌شاخه‌های بیرون لبنان که از فروپاشی اقتصادی آسیب ندیده‌اند - می‌توانند حس انزوای فعلی را در شیعیان دلسرد لبنانی که دنبال آلترناتیو هستند از بین ببرند. بسیاری از بازرگانان شیعه در آفریقا و خلیج فارس مایل اند با جامعه جهانی کار کنند تا چنین آلترناتیو‌هایی را فراهم کنند. انگیزه آن‌ها ریشه دواندن در جوامع خود است ولی، همزمان، می‌خواهند به کشورهایی که در آن سرمایه و کسب‌وکاری دارند - عمده‌تای آمریکا، کشورهای حوزه خلیج فارس، و اروپا - نشان دهند که از حزب‌الله فاصله گرفته‌اند. بخش خصوصی لبنان به خاطر بحران اقتصادی ضعیف شده، ولی این جامعه تجاری می‌تواند مجرای خوبی برای ایجاد ابتکاراتی باشد که بیرون از مدار حزب‌الله قرار گیرد و بر صنایع کوچک، فرصت‌های تجاری، و وام‌های کوچک متمرکز باشد. این گونه تلاش‌ها با موانع موجود در عرصه لبنان رویارو خواهد بود، ولی ابتکارات در مقیاس کوچک در این مرحله برای ایجاد ریشه‌های عمیق در جامعه مهم است. کمک بشردوستانه ضروری است، ولی نمی‌تواند ریشه‌هایی را ایجاد کند که به برآمدن آلترناتیوهای اقتصادی ختم می‌شود.^{۳۷} این گونه آلترناتیوها، خصوصا برای مردان جوان، ممکن است موجب بیان صریح موضع علیه حزب‌الله نشود، ولی می‌تواند راهی برای استقلال افراد از منابع حزب‌الله فراهم کند. مطمئنا پایان نظامی‌سازی جامعه شیعه مستلزم کاهش حس انزوای آنها از بقیه لبنان است؛ این حس انزوا واقعیتی است که به نفع حزب‌الله تمام می‌شود.

پشتکار جامعه جهانی باید همراه با تلاش‌های مستمر برای

این نشان می‌دهد که استراتژی آمریکا (و جامعه جهانی) برای جلب مشارکت جامعه شیعیان لبنان باید با تکیه بر ابزارهای قابل‌اتکا، بادوام و مرتبط توسعه یابد. چنین رویکردی، همان‌طور که قبلا اشاره شد، باید مشارکت بازیگران شیعه جوان‌تر و غیرسنتی و عمده‌تای خارج از قواعد سلسله‌مراتبی را جلب کند که دنبال تغییر در لبنان هستند. به علاوه، چنان رویکردی نیازمند درک این نکته است که چرا رویکردهای قدیمی قدرت نرم دیگر جواب نمی‌دهد و چه نوع روزآمدسازی‌هایی برای تضمین موفقیت در آینده ضروری است.

بديل‌های اقتصادی برای کسب‌وکار شیعیان

به خاطر فعالیت‌های غیرقانونی حزب‌الله هم در داخل و هم در خارج، جامعه شیعیان لبنان حال در کلیت خود «پر ریسک» محسوب می‌شود. از نظر بسیاری از سرمایه‌گذاران، برای اجتناب از ریسک و مسئولیت حقوقی، ساده‌ترین تصمیم اجتناب از همکاری با شرکت‌های متعلق به شیعیان است؛ رویکردی که به طور غیرمنصفانه بازرگانان موجه را هم در لیست سیاه قرار می‌دهد. «هیئ‌نا»، یک سازمان غیردولتی لبنانی که صداهای مستقل شیعه را ترویج می‌کند، در سال ۲۰۱۵ یک نظرسنجی انجام داد که بر اساس آن بسیاری از شیعیان معتقد بودند آمریکا کلا نگاهی منفی به شیعیان دارد.^{۳۵}

بنابراین، دولت آمریکا باید بر آموزش نهادهای بین‌المللی و شهروندان لبنان در این زمینه تمرکز کند که کدام نهادها و فعالیت‌ها هدف تحریم‌های مرتبط با حزب‌الله قرار دارند؛ با بیان مکرر این نکته که هدف از تحریم‌ها مجازات کل جماعت شیعه نیست. در واقع، برای تماس با کسب‌وکارهای شیعه که با حزب‌الله مرتبط نباشند، تلاش‌های جدی اندکی صورت گرفته است. مباحث ناشی از چنین تماس‌هایی به واشنگتن کمک می‌کند تاثیر تحریم‌ها و طراحی استراتژی‌ها را درک کند تا از خسارات ناخواسته اجتناب شود. در عین حال، خود تحریم‌ها تاکنون نتایج امیدوارکننده‌ای داشته است. همان‌طور که مطالعه حاضر نشان می‌دهد، تحریم‌ها متحدان حزب‌الله را تضعیف کرده و حمایت عمومی را از آن کاسته است. ضمنا، افراد تحریم‌شده در لبنان معمولا از جامعه تجاری خود بیگانه می‌شوند، خصوصا شخصیت‌هایی که پاسپورت‌های آمریکا و اتحادیه اروپا را دارند. بازرگانانی که با حزب‌الله مخالف اند، می‌خواهند از سرمایه‌های خود محافظت کنند. مهم‌تر از این، بسیاری از کسب‌وکارهای شیعه مشتاق اند که منافع‌شان را از شرکت‌های نزدیک به حزب‌الله جدا کنند، و دنبال راهنمایی برای بهترین شیوه انجام آن هستند. از این گذشته، تحریم‌های ناشی از

جهانی باید استراتژی هماهنگی در پیش بگیرند تا کمک را از طریق گروه‌های قابل اعتماد جامعه مدنی منتقل کنند، خصوصاً آن‌هایی که با حزب الله مخالف اند.

بعد از انفجار ویرانگر بندر بیروت، جامعه جهانی از طریق ارتش لبنان کمک فرستاد. با توجه به اضطراری بودن وضعیت و جایگاه ارتش به‌عنوان سازمان‌یافته‌ترین نهاد کشور این کار معقول بود. ولی در آینده برخی وجوه را می‌توان از طریق سازمان‌های مستقل مستقر در مناطق شیعی توزیع کرد، یا نهادهای دیگری که با جامعه مدنی شیعه پیوند دارند و همچنین گروه‌های اپوزیسیونی که بخش اساسی اعتراضات سال ۲۰۱۹ بودند و برای انتخابات سال ۲۰۲۲ آماده می‌شوند.^{۳۹}

رقابت در عملیات اطلاع‌رسانی

به لحاظ تاریخی، آمریکا کارزارهای اطلاع‌رسانی متعددی علیه حزب الله اجرا کرده است. معمولاً تمرکز این کارزارها حمایت این گروه از تروریسم بین‌المللی، از جمله علیه آمریکا، بوده است. گرچه این مضمون مهمی است، ولی در بافت محلی لبنان موثر نیست و گاهی حتی نتیجه عکس داشته است. بسیار ارزشمندتر خواهد بود که این کارزارها بر نقاط ضعف حزب الله در نگاه حامیان خودش متمرکز شود؛ مثلاً فساد، استثمار زنان و مشکلات مالی. یک کارزار اطلاع‌رسانی موفق، ریاکاری حزب الله را که امروز مشخصه این گروه است، آشکار خواهد نمود و شکاف بین این سازمان و مردمی که ادعای دفاع، محافظت و حمایت از آن‌ها را دارد، عمیق‌تر از قبل خواهد کرد.

اعضای جامعه شیعه گفتار تبلیغاتی حزب الله درباره «پیروزی الهی» در ۲۰۰۶ را علیه اسرائیل به این خاطر پذیرفتند که امیدوار بودند آغازی بر پایان گفتمان جنگ بی‌پایان باشد. بعد از جنگ، بسیاری از شیعیان مشغول پرورش ایده‌های تجاری شدند تا رفاه خود و معیشت‌شان را گسترش دهند.^{۴۰} حتی با وجود مشکلات اقتصادی، این ذهنیت هنوز بیشتر شیعیانی را که اصلاً خواهان مقابله مجدد با اسرائیل نیستند، مشغول می‌کند. بنابراین، هر گونه کارزار اطلاع‌رسانی باید زیرساخت نظامی حزب الله را در لبنان افشا کند، از جمله تاسیسات موشک‌های دقیق‌زن آن را، و خطر کشاندن مردم لبنان خصوصاً شیعیان را به دور دیگری از جنگ با اسرائیل از سوی حزب الله برجسته سازد.

هر گونه کارزاری که ماجراجویی، فساد، و دیگر خطاهای حزب الله را برجسته می‌کند، باید فقط از پلتفرم‌هایی که برای جامعه شیعه

آشکارکردن دورویی حزب الله باشد. این کار با توجه به فرمول دیرینه و موفق حزب الله برای متحد کردن جامعه شیعیان، بر مبنای این مفهوم که «من قیّم و تامين‌کننده شما هستم، ولی شما باید ایدئولوژی من و جنگ‌های من را بپذیرید و فراموش کنید که شهروندان کشور لبنان هستید»، دشوار ولی ممکن است؛ خصوصاً حالا که حزب الله عملاً به دولت تبدیل شده و هیچ چشم‌انداز اجتماعی-اقتصادی پایداری ارائه نمی‌کند.

از این گذشته، با توجه به اینکه امکان ارائه آلت‌رناتیوهای سیاسی با فشار غرب وجود ندارد، باید تاکید را به سمت استراتژی بلندمدت استفاده از برنامه‌های اقتصادی تغییر داد - مثلاً شغل و وام‌های کوچک - تا به شیعیان کمک کرد که به شکلی واقعی نیازهای اساسی‌شان را برطرف کنند. گفتار مطلوب سیاسی آن در ادامه پیدا خواهد شد. علاوه بر این، بحران رو به وخامت در لبنان نیازمند طرح نجات از سوی نهادهای مالی جهانی مثل صندوق بین‌المللی پول است. شرایطی که همراه با هر گونه طرح نجات مطرح می‌شود فرصتی برای تقویت دولت لبنان و کاهش دسترسی حزب الله به نهادهای دولتی فراهم می‌کند. به علاوه، این شرایط امکان ایجاد فضای مورد نیاز برای ابتکاراتی را فراهم می‌کند که بازرگانان مستقل شیعه و بخش خصوصی را توانمند سازد تا هدف تقویت آلت‌رناتیوهای اقتصادی را در مقابل تسلط حزب الله بر اقتصاد شیعیان محقق کنند.

کمک‌های بشردوستانه

امنیت غذایی لبنان در حال تبدیل شدن به مشکلی جدی است و قحطی دیگر یک سناریوی محتمل نیست، بلکه واقعیت است. بررسی یونیسف در جولای ۲۰۲۱ نشان می‌دهد که حدود ۳۰ درصد کودکان لبنان با شکم خالی می‌خوابند. به گفته یوکی موکو، نماینده یونیسف در لبنان، از جولای ۲۰۱۹:

همزمان با اوج‌گیری قیمت‌ها و روند رو به افزایش بیکاری و با نبود هیچ چشم‌انداز بهبودی... سلامت و آموزش کودکان و آینده آن‌ها قربانی می‌شود. خانواده‌های بیشتری مجبور می‌شوند به شیوه‌های منفی چاره‌سازی متوسل شوند، یعنی فرستادن کودکان‌شان به کار در شرایط اغلب خطرناک و زیان‌آور، شوهردادن دختران‌شان یا فروختن دار-و-ندار خود.^{۳۸}

در مورد کمک بشردوستانه مستقیم به لبنان، آمریکا و شرکای

وزارت خزانهداری آمریکا محمد ابراهیم بزی، تامین‌کننده مالی حزب‌الله، را در ماه می ۲۰۱۸ تحریم کرد،^{۴۴} جامعه شیعه عمدتاً به این نکته توجه کرد که او در قاچاق جنسی زنان پناهنده سوری به آفریقا دست داشته است؛ تلویزیون الحرة که مورد حمایت آمریکاست جزئیات آن را گزارش داد ولی موضوع به طور گسترده در رسانه‌های اجتماعی منتشر نشد. به عبارتی این فرصت از دست رفت.

در این زمینه، حزب‌الله خوراک زیادی برای ریشخند و استهزاء به دست می‌دهد. این گروه در طیف وسیعی از تجارت‌های غیرقانونی و غیراخلاقی دست دارد، از تولید مواد مخدر و پولشویی گرفته تا قاچاق جنسی و شبکه‌های روسپیگری، و در حالی که مردم عادی لبنان بر سر ته مانده مواد خوراکی در خواربارفروشی‌ها دعا می‌کنند، مقامات حزب‌الله در ثروت و تجمل زندگی می‌کنند؛ خصوصاً در دو ناحیه از ثروتمندترین نواحی ضاحیه در جنوب: خیابان معوض و محله جناح.^{۴۵} همه این‌ها باید در یک استراتژی هماهنگ شده با هدف شکستن روایت مقدس حزب‌الله و تصویر میهن‌پرستانه آن افشا شود تا پیوندهایش با جامعه شیعه، که روزبه‌روز ناراضی‌تر می‌شود، قطع شود.

تداوم تحریم متحدان حزب‌الله و سیاست‌مداران فاسد لبنانی

تصمیم آمریکا برای اعمال تحریم نه فقط بر حزب‌الله و رهبران آن که همچنین بر سرشناس‌ترین متحدان این گروه در سراسر طیف سیاسی لبنان موجی از ترس در طبقه سیاسی کشور ایجاد کرده است. به‌ویژه تحریم جبران باسیل در نوامبر ۲۰۲۰ که عضو پارلمان است، پیامدهای مهمی داشت. او یکی از سیاست‌مداران است که با انتقادهای گسترده روبروست و اغلب به خاطر اینکه فسادشان به ایجاد بحران مالی ختم شده مقصر دانسته می‌شوند. برای همین هم، این اقدام همدلی مردم لبنان را به همراه داشت و باعث شد آرزوی باسیل برای ریاست جمهوری یعنی جانشینی میشل عون، پدر زنش، تضعیف شود.

پیامی که تحریم‌های آمریکا فرستاد روشن بود: همدستان حزب‌الله — کسانی که از کار با طرح‌های فاسد این سازمان سود می‌برند — با عواقب آن مواجه خواهند شد و باید بفهمند که جدایی از این گروه در نهایت سودمندتر از وفاداری به آن است. بنابراین، تحریم‌های آینده از سوی آمریکا، باید شخصیت‌های سیاسی فاسد لبنان را خارج از اردوگاه سیاسی حزب‌الله نیز هدف بگیرد تا نشان دهد که

قابل اعتمادند، استفاده کند. اینجا، اعتبار پلتفرم‌ها حتی بیش از محتوای مستند اطلاعات مهم است. وقتی اسرائیل تاسیسات نظامی حزب‌الله را افشا می‌کند — مثلاً، در جولای ۲۰۲۱، افشای انبار سلاحی که به شکلی خطرناک نزدیک مدرسه نبطیه نگهداری می‌شد^{۴۱} — شیعیان اندکی گوش می‌کنند. ولی وقتی جامعه جهانی اطلاع‌رسانی می‌کند، باید حفاظت لازم را هم برای همکاران خود فراهم کند — یعنی اطمینان روشن به اینکه روزنامه‌نگاران و کنشگران اگر تهدید یا بازداشت شوند، به حال خود رها نخواهند شد.

همه این‌ها مستلزم زیرساختی از سازمان‌های رسانه‌ای مستقل لبنان است که بیشتر حمایت مالی خود را طی دهه گذشته از دست داده‌اند در حالی که نهادهای رسانه‌ای حزب‌الله گسترش یافته و تکامل پیدا کرده‌اند. بازنگری استراتژی کمک رسانه‌ای از سوی آمریکا و جامعه جهانی، برای اینکه نهادها و صداهای جدید را در برگیرد، امروز می‌تواند با تمرکز بر صداهای مستقل شیعه — به اضافه ساختار نوآورانه‌ای از رسانه‌های اجتماعی — خیلی موثر باشد. حالا که مردم مایوس و مستاصل لبنان از منابع رسانه‌ای مورد حمایت ایران رو برمی‌گردانند، جامعه جهانی فرصتی دارد تا از طریق کمک فنی، کارآموزی و تامین مالی به تقویت رسانه‌های مستقل پردازد.

به طور مشخص، تعدادی از نهادهای موجود رسانه‌ای می‌توانند از حمایت و حفاظت بهره‌مند شوند در کنار بسیاری از نهادهای دیگر که برای گسترش کمی و کیفی تلاش می‌کنند.^{۴۲} هنوز صداهای دیگر فاقد یک پلتفرم نهادینه هستند و بیشتر در رسانه‌های اجتماعی طرفدار دارند. هر دو گونه این صداها در معرض تهدید جدی قرار دارند و قتل لقمان سلیم هشدار آشکار به لبنانی‌های صریح‌اللهجه خصوصاً در میان شیعیان بود.^{۴۳} فقدان اقدامات تنبیهی بین‌المللی بعد از این جنایت — یا ارسال پیام متناسب به رهبران لبنان — عملاً به حزب‌الله نشان داد که می‌تواند علیه دگراندیشان ناراضی قساوت به خرج دهد.

بسیاری از بازیگران لبنانی را هم می‌توان در انتشار اطلاعات حمایت‌کرد تا فساد و فعالیت‌های غیرقانونی حزب‌الله را، که به اقتصاد ملی خسارت می‌زند، افشا کنند. این حمایت به عنوان بخشی از یک استراتژی جامع می‌تواند از طریق برنامه‌های متمرکز بر آموزش رسانه‌ای و نهادسازی باشد — به علاوه تامین مالی — تا اطلاعات لازم برای استفاده را گردآوری، راستی‌آزمایی، و منتشر کنند.

چارچوب‌بندی محتوا نیز حائز اهمیت است. در حالی که افشای فساد مالی و ماجراجویی نظامی حزب‌الله مهم است، بی‌اعتبارسازی ادعای حزب‌الله مبنی بر این که جنبشی مقدس با ماموریتی الهی است هم به همان اندازه اولویت دارد. مثلاً وقتی

غذا، و کار هستند چنان که یک مورد اخیر تلاش برای عبور از مرز نشان داد.^{۴۸} جامعه جهانی باید با اسرائیل در مورد ابتکارات مرزی هماهنگ کند تا هم بر موارد این چنینی در آینده نظارت شود و هم به مردم لبنان کمک برسد. این می‌تواند فرصتی برای اسرائیل باشد تا بدون اینکه امنیت‌اش مختل شود، به ارائه کمک بشردوستانه از قبیل مراقبت‌های درمانی ضروری بپردازد.

نتیجه‌گیری

حتی در دوره‌ای که واشنگتن تلاش می‌کند به توافق هسته‌ای جدیدی با تهران برسد، ضعف فعلی حزب‌الله فرصتی استراتژیک برای تغییر موازنه قوا در لبنان، کاهش نفوذ ایران در دوردست، و ترویج تنوع سیاسی درون جامعه شیعه فراهم می‌کند. به خاطر تحریم‌های آمریکا و اعتراضات سیاسی داخلی، حزب‌الله در حال از دست دادن قدرت است. تاثیر گفتمان مقاومت حزب‌الله هم، به خاطر ناتوانی در تلافی حملات اسرائیل به انبارهای سلاح و واحدهای عملیاتی این گروه، رو به زوال است. و بعد از سال‌ها اعزام نیرو به سوریه و تلفات پرشمار جنگجویانش، حالا فاقد نیروی جنگی مطمئن و منضبط است و بازسازی آن نیز سال‌ها طول خواهد کشید. حزب‌الله برای تحقق وعده چند دهه گذشته خود برای حفاظت از حامیان اصلی‌اش بدون پول مانده است و فروپاشی دولت لبنان هم دارد به کاهش بی‌سابقه حمایت بسیاری از شیعیانی ختم می‌شود که رأی و خون‌شان به اندازه موشک‌ها و دلارهای ایران برای حزب‌الله حیاتی است.

حزب‌الله معمولاً منتظر فرصت بعدی می‌ماند تا برای ترمیم ائتلاف‌ها، امور مالی، و بازسازی نیروهای نظامی خود اقدام کند. برای همین هم حالا زمان مناسبی برای یک سیاست‌گذاری هماهنگ است تا از این ضعف‌ها بهره‌برداری شود، حزب‌الله را محدود سازد، از تلاشش برای احیای موقعیت قبلی ممانعت کند، و به تشویق گونه جدیدی از سیاست شیعه در لبنان بپردازد.

واشنگتن فقط در پی رهبران شیعه نیست، بلکه تمام مقامات فاسدی را که مسئول بحران این کشور هستند، هدف می‌گیرد. علاوه بر این، حفظ تحریم‌ها به عنوان بخشی از سیاست جامع آمریکا با هدف احیای موازنه سیاسی در لبنان می‌تواند به ائتلاف‌های حزب‌الله و حمایت مالی از این گروه آسیب بیشتری وارد کند. قانون عالمگیر مگنیتسکی چون خصوصاً فساد را بدون توجه به دیگر عوامل سیاسی هدف می‌گیرد، ابزاری عالی است که همچنین می‌تواند حزب‌الله را به لحاظ سیاسی فلج کند، در راه متحدان فاسدش در دولت مانع ایجاد کند و دسترسی حزب‌الله را به نهادهای دولتی محدود سازد.^{۴۹}

آمریکا، اروپا و کشورهای عربی مهم — خصوصاً عربستان و امارات — که موضع بین‌المللی نسبتاً متحدی دارند، می‌توانند سیاست تحریمی یکپارچه‌ای را طراحی کنند که بر حزب‌الله و متحدانش و همچنین دیگر افراد فاسدی که از وضع موجود سود می‌برند متمرکز باشد. موضع اتحادیه اروپا در قبال حزب‌الله هم همین قدر حیاتی است، خصوصاً اینکه باید بالاخره این خیال باطل را فراموش کند که جناح‌های نظامی و سیاسی حزب‌الله از هم جدا هستند. از جولای ۲۰۲۱، اتحادیه اروپا سرانجام تصمیم گرفت مقامات لبنانی مسئول بن‌بست سیاسی و بحران اقتصادی کشور را تحریم کند.^{۴۷} این اتحادیه نباید اعلام و اجرای این تحریم‌ها را به تاخیر بیندازد.

یک نگرانی واقعی برای اروپا مسئله پناهندگان است؛ فروپاشی کامل لبنان می‌تواند منجر به ایجاد موج‌هایی از مهاجران لبنانی به اروپا شود که بر بیش از یک میلیون سوری که در سال‌های بعد از ۲۰۱۰ وارد شده‌اند، اضافه خواهد شد. اما رویکرد اروپا که ریشه در اطمینان از ثبات دارد، ناکافی است. در واقع، این رویکرد دیرینه اروپا بوده است ولی نتوانسته در مسائل عمیق جامعه لبنان تاثیری بگذارد. آشوب اجتماعی لبنان ادامه خواهد داشت تا زمانی که اروپا (و شرکایش) کمک کنند تا کشور واقعا از فساد فراگیری که حزب‌الله در کانون آن قرار دارد، خلاص شود.

و اگر سرانجام کار به مهاجرت بکشد، اسرائیل خود ممکن است مقصد برخی لبنانی‌هایی باشد که شدیداً نیازمند کمک درمانی،

۱. مثلاً بنگرید به: بن هابارد، با عکس‌هایی از برابیان دنتون، «سقوط: درون بدترین فروپاشی اقتصادی لبنان طی بیش از یک قرن»، نیویورک تایمز، ۴ آگوست ۲۰۲۱،
<https://www.nytimes.com/2021/08/04/world/lebanon-crisis.html?action=click&module=Top%20Stories&pgtype=Homepage>
 ۲. بن هابارد و هویده سعید، «انتخابات لبنان نفوذ حزب الله را تقویت می‌کند»، نیویورک تایمز، ۷ می ۲۰۱۸،
<https://www.nytimes.com/2018/05/07/world/middleeast/lebanon-election-hezbollah.html>
 ۳. تمارا قبلای، «با سفر مکرون به بیروت، آینده لبنان خیلی شبیه گذشته به نظر می‌رسد»، سی.ان.ان، ۱ سپتامبر ۲۰۲۰،
<https://www.cnn.com/2020/09/01/middleeast/lebanon-macron-beirut-visit-intl/index.html>
 ۴. وزارت خزانه‌داری آمریکا، «خزانه‌داری فساد را در لبنان هدف می‌گیرد»، بیانیه مطبوعاتی، ۶ نوامبر ۲۰۲۰،
<https://home.treasury.gov/news/press-releases/sm1177>
 ۵. مثلاً بنگرید به: اما گراهام، «دیپلمات آمریکایی: لبنان بسته نجات مالی دریافت نخواهد کرد — ولی اصلاحات می‌تواند باعث کمک مالی قابل توجه شود»، سی.ان.بی.سی، ۳ آگوست ۲۰۲۱،
<https://www.cnbc.com/2021/07/01/lebanon-wont-get-a-bailout-us-diplomat-says.html>
 - نزیه عسیران و جرد مالسین، «نخست‌وزیر جدید لبنان سعد حریری بعد از شکست در تشکیل دولت استعفاء می‌دهد»، وال استریت ژورنال، ۱۵ جولای ۲۰۲۱،
<https://www.wsj.com/articles/lebanons-prime-minister-designate-saad-hariri-resigns-after-failing-to-form-government-11626368519>
 ۶. اسکات نیومن و بیل چپل، «آمریکا تحریم‌ها علیه ایران را تمدید می‌کند ولی ۸ واردکننده نفت از جمله چین و ژاپن را معاف می‌کند»، رادیوی عمومی ملی، ۵ نوامبر ۲۰۱۸،
<https://www.npr.org/2018/11/05/664275967/new-u-s-sanctions-against-iran-go-into-effect>
 ۷. حنین غدار، «تحریم‌های آمریکا دارد به حزب الله آسیب می‌زند»، دیدبان سیاست‌گذاری ۳۰۹۰، انستیتو واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک، ۶ مارس ۲۰۱۹،
<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/us-sanctions-are-hurting-hezbollah>
 ۸. بر اساس مصاحبه‌های مولف با اعضای حزب الله و خانواده‌های آنها.
 ۹. سامیه نخول، «گزارش ویژه: حزب الله همه چیز را در سوریه قمار می‌کند»، رویترز، ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۳،
<https://www.reuters.com/article/us-syria-hezbollah-special-report/special-report-hezbollah-gambles-all-in-syria-idUSBRE98P0AI20130926>
 ۱۰. بنگرید به: «خزانه‌داری فساد را در لبنان هدف می‌گیرد»،
<https://home.treasury.gov/news/press-releases/sm1177>
 ۱۱. ماها داهان، «تحلیل: کاکائو و بادام هندی: فهرست بلند سوبسید لبنان برای این کشور گران تمام می‌شود»، رویترز، ۱۹ می ۲۰۲۱،
<https://www.reuters.com/world/middle-east/cocoa-cashew-nuts-lebanons-long-subsidy-list-iscosting-it-dear-2021-05-19/>
 ۱۲. نیک وبستر، «پزشکان هشدار می‌دهند که فرار مغزها ممکن است برهوت درمانی در لبنان ایجاد کند»، نشنال، ۸ فوریه ۲۰۲۱،
<https://www.thenationalnews.com/mena/brain-drain-could-create-healthcare-wasteland-in-lebanon-doctors-warn-1.1161619>
 ۱۳. سرمقاله، «تخفیف حزب الله» اقتصاد لبنان را تجزیه می‌کند»، نشنال،
<https://www.thenationalnews.com/opinion/editorial/a-hezbollah-discount-partitions-lebanon-s-economy-1.1208312>
- نام کارت السجاد از نام امام چهارم شیعیان گرفته شده است.

۱۴. حنین غدار، «حزب الله نظام‌های مالی و رفاهی موازی ایجاد کرده است تا بحران جاری را مدیریت کند»، دیدبان سیاست‌گذاری ۳۴۰۶، انستیتو واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک، ۹ دسامبر ۲۰۲۰،
<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/ Hezbollah-has-created-parallel-financial-and-welfare-systems-manage-current-crisis>
۱۵. سعاد لاذقانی، «مطابق یک سند، بیمارستان‌های حزب الله بیشتر از بقیه از دولت لبنان حمایت مالی دریافت می‌کنند» وبسایت ۹۶۱، ۱۷ دسامبر ۲۰۲۰،
<https://www.the961.com/ Hezbollah-hospitals-more-funding-from-govt/>
۱۶. «روسپیگری، مواد مخدر، پرونده‌های سیاه در سوریه: «دگراندیشان» سوری پرده را کنار می‌زنند» (به عربی)، الحرة، ۱۴ اکتبر ۲۰۱۹،
<https://arbne.ws/3CPVpbp>
- عاصم بدرالدین، «غیبری متعلق به همه است: نبردی علیه رویکرد حزب الله» (به عربی)، المُنَدَن، ۲۹ ژوئن ۲۰۱۶،
<https://bit.ly/3z2SERi>
۱۷. مارتین چولوف، «تجارت کثیف»: چه‌طور یک ماده مخدر سوریه را به دولت قاچاق مواد مخدر تبدیل می‌کند»، گاردین، ۷ می ۲۰۲۱،
<https://www.theguardian.com/world/2021/may/07/drug-captagon-turning-syria-into-narco-state>
۱۸. حنین غدار، «حزب الله استراتژی جدیدی برای نجات از بحران مالی لبنان دارد»، دیدبان سیاست‌گذاری ۳۲۷۲، انستیتو واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک، ۲ مارس ۲۰۲۰،
<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/ Hezbollah-has-new-strategy-survive-lebanons-financial-crisis>
۱۹. سونیوا رُز، «پرونده تاریک سرازیر شدن فولاد ارزان ایران به لبنان»، نشنال، ۳ آوریل ۲۰۱۹،
<https://www.thenationalnews.com/world/mena/the-shadowy-case-of-cheap-iranian-steel-flooding-lebanon-1.844582>
۲۰. آسوشیتد پرس، «حزب الله موتور محرک لبنان بعد از انفجار با واکنش منفی مواجه شده است»، سی.ان.بی.سی، ۳۰ آگوست ۲۰۲۰،
<https://www.cbc.com/2020/08/30/lebanons-powerhouse- Hezbollah-hit-by-backlash-after-blast.html>
۲۱. بر اساس مصاحبه مولف با ساکنین ضاحیه بعد از توزیع کارت السجاد.
۲۲. همان منبع.
۲۳. «حزب الله کمربند ریاضتی را سفت‌تر می‌کند...» (به عربی)، جنوبیه، ۲۰ دسامبر ۲۰۲۰،
<https://bit.ly/3rH90MY>
۲۴. صفحه فیس‌بوک گروه را ببینید:
<https://www.facebook.com/southernersforfreedom> و <https://www.facebook.com/profile.php?id=100068992281022>
۲۵. آژانس توسعه بین‌المللی آمریکا، «نقشه داستان — کار USAID در لبنان»، به‌روزشده در ۹ فوریه ۲۰۲۱،
<https://www.usaid.gov/lebanon/story-map>
۲۶. وزارت خزانه‌داری آمریکا، «خزانه‌داری حامیان حزب الله را در لبنان هدف می‌گیرد»، بیانیه مطبوعاتی، ۸ سپتامبر ۲۰۲۰،
<https://home.treasury.gov/news/press-releases/sm1116>
۲۷. رویترز، «ریاست جمهوری لبنان: آمریکا برای تامین برق به لبنان کمک می‌کند»، ۱۹ آگوست ۲۰۲۱،
<https://www.reuters.com/world/middle-east/lebanese-presidency-us-help-lebanon-with-electricity-2021-08-19/>
۲۸. وزارت امور خارجه آمریکا، «روابط آمریکا با لبنان»، گزارش-برگ، ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۰،
<https://bit.ly/3yeN4eH>
۲۹. تاناسیس کامبانیس، «مدارس المهدی حزب الله ریاضی را با دکترین ترکیب می‌کنند»، فاینشال تایمز، ۲۰ اکتبر ۲۰۱۳،
<https://www.ft.com/content/e0be1122-2695-11e3-9dc0-00144feab7de>
۳۰. ادموند بلر، «گزارش تبیینی: فروپاشی لبنان و نحوه بروز آن»، رویترز، ۱۷ ژوئن ۲۰۲۱،
<https://www.reuters.com/world/middle-east/lebanons-financial-meltdown-how-it-happened-2021-06-17/>
۳۱. بر اساس مصاحبه‌های مولف با منابع نزدیک به حزب الله.

۳۲. «وزارت خزانه داری حامیان حزب الله را هدف می‌گیرد»،
<https://home.treasury.gov/news/press-releases/sm1116>
۳۳. آیه مجذوب، «لوايح مشکل آفرين در دستورکار مجلس لبنان»، دیدبان حقوق بشر، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۹،
<https://www.hrw.org/news/2019/11/19/problematic-bills-lebanon-parliaments-agenda>
۳۴. بر اساس مصاحبه مولف با شخصیت‌ها، کنشگران، و بازرگانان شیعه بعد از اکتبر ۲۰۱۹.
۳۵. «۱۵ سوال از جامعه شیعه لبنان»، هیتا بنا، ۲۵ جولای ۲۰۱۵،
<https://bit.ly/3j5RrT3>.
۳۶. مصاحبه تلفنی با مولف.
۳۷. و بنگرید به: حنین غدار، «آلترناتیوهای اقتصادی می‌تواند به انشعاب در حزب الله کمک کند»، دیدبان سیاست‌گذاری ۲۷۱۱، انستیتو واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک، ۱۸ اکتبر ۲۰۱۶،
<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/economic-alternatives-could-help-split-shiites-hezbollah>
۳۸. یونیسف، «لبنان: بحران فزاینده کودکان را به خطر می‌اندازد چون بیشتر خانواده‌ها نمی‌توانند نیازهای اساسی فرزندان‌شان را تامین کنند»، ۱ جولای ۲۰۲۱،
<https://www.unicef.org/press-releases/lebanon-escalating-crisis-puts-children-risk-majority-families-cannot-afford-meet>
۳۹. «روح (۱۷ اکتبر) به جنوب برمی‌گردد...» (به عربی)، جنوبیه، ۱۵ ژوئن ۲۰۲۱،
<https://bit.ly/3zNjPQr>.
۴۰. حنین غدار، «تغییر چهره اساسی حزب الله»، فارین پالیسی، ۱۷ مارس ۲۰۱۰،
<https://foreignpolicy.com/2010/03/17/hezbollahs-extreme-makeover-2/>
۴۱. جودا آری گروس: «ارتش اسرائیل: حزب الله انبار عظیم سلاح را نزدیک یک مدرسه نگهداری می‌کند»، تایمز اسرائیل، ۱۴ جولای ۲۰۲۱،
<https://www.timesofisrael.com/idf-hezbollah-storing-massive-weapons-depot-next-to-a-school/>
۴۲. وبسایت جنوبیه نمونه‌ای از رسانه‌های بومی ضد-حزب الله است.
۴۳. حنین غدار، «حزب الله آسیب‌پذیر است؛ قتل لقمان سلیم این را ثابت می‌کند»، فارین پالیسی، ۱۶ فوریه ۲۰۲۱،
<https://foreignpolicy.com/2021/02/16/lebanon-lokman-slim-hezbollah-vulnerable/>
۴۴. وزارت خزانه‌داری آمریکا، «خزانه‌داری شبکه مالی اصلی حزب الله و کانال انتقال ایرانی را هدف می‌گیرد»، بیانیه مطبوعاتی، ۱۷ می ۲۰۱۸،
<https://home.treasury.gov/news/press-releases/sm0388>
۴۵. سامی خلیفه، «فساد دارد حزب الله را از درون می‌خورد...»، المُنَدن، ۲۵ اکتبر ۲۰۱۵،
<https://bit.ly/2W0YULf>.
۴۶. حنین غدار و ماتیو لویت، «چگونه آمریکا می‌تواند به دولت جدید لبنان برای مقابله با فساد فشار آورد»، هیل، ۲۶ ژانویه، ۲۰۲۰،
<https://thehill.com/opinion/international/479538-heres-how-the-us-can-pressure-lebanons-new-government-tackle>
۴۷. کلوه کورنیش، «اتحادیه اروپا موافقت کرد که مقامات لبنان را با تحریم‌ها هدف بگیرد»، فایننشال تایمز، ۱۲ جولای ۲۰۲۱،
<https://www.ft.com/content/af253a8d-9395-4426-afad-beec63fed4b5>
۴۸. جودا آری گروس، «بعد از ساعت‌ها جستجو، نیروها دو مهاجر را که از لبنان به اسرائیل وارد شدند دستگیر کردند»، تایمز اسرائیل، ۲۲ جولای ۲۰۲۱،
<https://www.timesofisrael.com/troops-hunting-for-suspects-who-crossed-intoisrael-from-lebanon/>

درباره نویسنده:

حنین غدار هموند فریدمن در برنامه گدولد در انستیتو واشنگتن است که بر سیاست کشورهای عربی متمرکز است. در این برنامه، مطالعات او در حوزه سیاست‌های شیعیان در سرزمین شام است. خانم غدار سال‌ها به عنوان ویراستار و روزنامه‌نگار در لبنان فعالیت کرده و به مسائلی همچون روند تکامل حزب‌الله در لبنان و همچنین نفوذ رو به رشد ایران در خاورمیانه پرداخته است. حنین غدار دارای مدرک کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه از دانشگاه آمریکایی بیروت است و در حال حاضر کتابی را درباره ضاحیه پایگاه اصلی حزب‌الله در دست تالیف دارد. جستار حاضر اقتباسی از آن کتاب است.



THE WASHINGTON INSTITUTE FOR NEAR EAST POLICY
1111 19TH STREET NW | WASHINGTON, DC 20036
WWW.WASHINGTONINSTITUTE.ORG
©2021 THE WASHINGTON INSTITUTE FOR NEAR EAST POLICY.
ALL RIGHTS RESERVED.